

جوانان کمونیست ۹۰

نشریه سازمان جوانان کمونیست

www.jawanan.org

سردبیر: مصطفی صابر

۲۶ اردیبهشت ۱۳۸۲

۱۶ مه ۲۰۰۳

جمعه ها منتشر میشود

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان
است.
منصور حکمت



WWW. نه نماز، نه کیهان مهناز بختیاری

تصور کنید که گفتن WWW. هم دیگه آخوندارو میترسونه، کنار ۷۰ میلیون جمعیت کافر ملحد، نزدیک یک میلیون سایت اینترنت هم مفسد فی الغرض شد. کم کم نوبت به حمله به خونه ها و شکستن کی بوردها و موبیتورها هم میرسه! کی میگه این حکومت مال عصر حجر نیست؟

ولی خوب جالبه! میلیون از چه لحاظ، از این لحاظ که واسه مقابله با جونها و مقابله با تمدن بشری هم که شده، اینها وادار شدن توی حجره های فیضیه و اتاق نشیمن رهبر هم ماهواره نصب کنند و اینترنتو نشونش بدن. آخوند چه میدونست ماهواره یا اینترنت خوردنی یا پوشیدنیه. جمهوری اسلامی این هفته در کنار نائل شدن به مقام رفیع اعدام و سنگسار در دنیا، شلاق زدن جوانان و گرداندن با الاغ، بستن روزنامه ها و مطبوعات، حمله به اعتصابات کارگری، صفحه ۲



برای آزادی اینترنت

جنگ بر سر اینترنت دو جنبه دارد: فنی و سیاسی. از لحاظ فنی باید دانش عمومی را بالا برد. (به مصاحبه با نرسی یگانه مراجعه کنید.) باید جنبشی در سطح اینترنت و

مبارزه بر سر اینترنت هم بر اقامت جنال مردم ایران با جمهور اسلامی اضافه شد. ویدئو، ماهواره و حالا اینترنت. در آن دوتای اول رژیم اسلامی شکست خورد. در این یکی باید پذیرفت که رژیم اسلامی دست بالاتری دارد و شکست آن تلاش و کوشش وسیع و همه جانبه ای را طلب میکند. ویدئو که چندان قابل کنترل نبود، ماهواره نیز سر و کارش با امواجی است که از آسمان می آید، ولی اینترنت از خطوط تلفن عبور میکند و جمهوری اسلامی میتواند موانع

جی در دسترسی مردم به اینترنت ایجاد کند. بعلاوه اینترنت خاصیتی فراتر از ویدئو و ماهواره دارد. اینترنت فقط یک ابزار اطلاع رسانی نیست. یک ابزار سازماندهی است. و این خاصیت رژیم اسلامی را که شدیداً در وضعیت متزلزلی است، وحشت زده کرده است.

فاجعه برای سربازان در قزوین

بنا به خبری که حزب کمونیست کارگری ایران اعلام کرد، روز شنبه بیستم اردیبهشت ماه در یک مانور نظامی در قزوین تعداد زیادی از سربازان کشته و زخمی شدند. علت این فاجعه انفجار یک گلوله توپ یا چیزی شبیه به آن در میان گروهانی از سربازان در حین مانور بود. آمار دقیق تلفات و زخمیهای این انفجار توسط جمهوری اسلامی منتشر نشده است اما گفته میشود که بین ۸ تا ۲۱ نفر از سربازان به قتل رسیده اند و شمار بیشتری زخمی شده اند. حزب اعلام کرده است که اخبار دقیقتر را بعداً به اطلاع میرساند.

از طرف سازمان جوانان کمونیست به بازماندگان این فاجعه تسلیت میگویم. ما همه سربازان را به اعتراض علیه این فاجعه و رژیم اسلامی فرا میخوانیم.

تمام شد، خسته نباشید!

مقابله با سانسور اینترنت

گفتگو با نرسی یگانه

جوانان کمونیست: جمهوری اسلامی بالاخره آنچه را که انتظار میرفت را شروع کرده است: فیلتر کردن اینترنت، که اسم محرمانه ای برای سانسور است. بعداً به جوانب سیاسی اش میپردازیم، ولی ابتدا کمی در باره جنبه فنی. این کار چقدر در جهان سابقه دارد؟

نرسی یگانه: قطعاً جمهوری اسلامی اولین رژیم دیکتاتور و توتالیتر در جهان نیست که دست به چنین اقدامی میزند. مثلاً ما در کشورهای اسلامی همسایه از جمله عربستان سعودی و امارات نیز شاهد اقداماتی مشابه هستیم که با توسل به آیات قرآن و در جهت "حفظ ارزشهای اسلامی مان" انجام میشود. اما در صفحه ۷

دوم خرداد تمام شد نوبت کمونیستهاست!



بهرام مدرسی

خواستهایی که قطعاً در ادامه خود به اعتراض سیاسی علیه رژیم اسلامی بدل خواهند شد. رژیم اسلامی صفحه ۲

اعتراضات دانشجویی در سراسر کشور در حال گسترش هستند. اخبار این اعتراضات بعضاً در سانسور رسمی خود رژیم اسلامی هم منعکس شدهاند و همکاران و فعالین سازمان جوانان کمونیست نیز گزارش از شروع دور دیگری از اعتراضات دانشجویان در سراسر کشور را میدهند.

این اعتراضات فعلاً بر خواستهای رفاهی و اقتصادی دانشجویان متمرکز هستند،

مسابقه برای جایگزینی

مصطفی صابر

تحولات سیاسی در ایران دور برداشته است. هفته گذشته هم رژیم و هم اپوزیسیون بشدت فعال بودند.

تا آنجا که به جمهوری اسلامی برمیگردد، هفته قبل صحنه فعالیت بین المللی و داخلی و هنر نمایی های معمول جمهوری اسلامی بود. رژیم اسلامی از یکسو مذاکرات با آمریکا را رسماً تایید کرد، از سوی دیگر موج وسیعی از حمله به مردم و حقوق آنها و نمایش ارباب را آغاز کرد. خاتمی به لبنان سفر کرد تا از یکسو



تحت لوای همدلی با سوریه و لبنان در مقابل تهدید آمریکا، کمی برای شیطان بزرگ کرکری بخواند صفحه ۲

آزادی، برابری حکومت کارگری!

از صفحه ۱

دوم خرداد تمام شد نوبت کمونیستهاست! در اشاره به کمیته بحران در دانشگاه یزد

جوابگوی خواستهای صنفی و اقتصادی دانشجویان نیست، اینرا همه میدانند. رژیم‌های ما، دفتر حراستی‌ها، انجمن‌اسلامی‌ها و خود دانشجویان معترض، همه میدانند که رژیم اسلامی در بریست سیاسی و اقتصادی خود نه میتواند و نه میخواهد که به خواستهای دانشجویان جواب دهد. در عین حال هر قدم عقب نشینی رژیم اسلامی و نمایندگان محلیش در هر موردی موجبات رشد و گسترش بیشتر این اعتراضات را فراهم خواهد کرد. به این اعتراضات، خواستها و امکانات رشد و گسترش آن باید پرداخت و و از هر فرصتی باید استفاده کرد که حرکتی سراسری را در سطح تمام مراکز آموزشی کشور سازمان داد.

در این میان اما تحرکاتی از جانب جریان‌های ورشکسته دوم خردادی هم به چشم میخورد، برای مثال کمیته‌ای تحت عنوان "کمیته بحران" در دانشگاه یزد، که در بر گیرنده ائتلاف فراگیر "انجمن توسعه اسلامی، انجمن اسلامی دانشجویان پیرو خط امام و تعدادی "کانون‌ها" و "نشریات دانشجویی" است، تشکیل شده و همه دانشجویان را به تحصن فراخوانده است. نگاهی کوتاه به خواستهای این ائتلاف فراگیر نشان از اهداف دیرینه این مدافعان سرسخت رژیم اسلامی را دارد. پروژه خاتمی و تحکیم وحدتی‌ها کار به جایی نبرد.

از صفحه ۸

مسابقه برای جایگزینی

از سوی دیگر با حزب الله ملاقات کرد تا احتمالا انتظارات حضرت شیطان در مذاکرات اخیر را با آنها در میان بگذارد. در داخل چوبه های دار بر پا گردید، قوه قضاییه تاخت و تاز می‌کند، به خدمتگزاران و برادران خود حکم های سنگین دادند، سانسور در اینترنت برقرار کردند، تا مردم بدانند رژیم کنترل اوضاع را بدست دارد، اتفاقی نیفتاده است، این رژیم همان رژیم است.

اما هیچ ناظر اوضاع سیاسی ایران، چه در داخل و چه در خارج از این نکته غافل نماند که تقلابهای رژیم اسلامی چه در خارج و چه در داخل اتفاقا نشانه بی ثباتی و لرزانی آنست. این رژیم دارد می‌رود. به کل وقایع هفته نگاه کنید خواهید دید که از اصلاح طلبان مفلوک درون رژیم تا جمهوری خواهان، ملی گراها، سلطنت طلب ها، پدیده های مشکوکی مثل طبرزدی، همه و

امروز نوبت ائتلافهای "فراگیری" است تا یکبار دیگر نشان دهند که این "اصلاح طلبان" دلسوز رژیم اسلامی بوی اعتراض دانشجوی آزادیخواه را شنیده‌اند و یکبار دیگر به میدان آمده‌اند تا "اصلاحاتشان"، "مسئولان متعهدشان" و رژیم اسلامی‌شان را نجات دهند. نگاهی به ۴ قلم خواستهای این "دلوران" بیاندازیم: "۱- اعاده حیثیت و حقوق دانشگاه و دانشجویان در برابر دروغبارکنی‌ها و ایراد تهمت و افترا به دانشجویان دانشگاه یزد و اعتراض نسبت به فاسد و مبتذل نشان دادن دانشجویان و دانشگاه در سطح شهر از طرف گروههای خاص.

۲- مقابله با گروههای خاصی که جهت پیشبرد اهداف و مقاصد خود، دائما به تهید دانشجویان و مسئولین میپردازد.

۳- درخواست جدی از شورای فرهنگی دانشگاه جهت تجدید نظر در بندهای مصوبه مربوط به سروسه‌های دانشگاه و علن‌خواهی ایشان به خاطر توهین به شخصیت دانشجویان

۴- حمایت از ریاست و مسئولین دانشگاه در برابر تهدیدات و فشارهای داخل و خارج دانشگاه"

باید به این برادران دلسوز رژیم اسلامی گفت: دانشجویان آزادیخواه تنها در برابر "گروههای خاصی" که ظاهرا نام مستعار جناح رقیبتان در رژیم اسلامی است، قرار نگرفته‌اند. در برابر همه شما بیند. خواستهای دانشجویان نه به مذاق آن "گروه خاص" و نه به مذاق خود شما خوش می‌آید. اهانت و افترا به دانشجویان، ضرب و شتم آنان و به زندان انداختن آنها، توسط کل

همه "منشور" و "بیانیه" صادر می‌کردند و "شورای رهبری" تشکیل و یا فراخوان میدادند. گویی همه نیروها و جنبش های سیاسی ایران همانند دونه های "دومیدانی" کنار میدان خود را آماده میکنند و منتظر شلیک تیپانچه استارت هستند. اما واقعا چه اتفاقی دارد می‌افتد؟ مردم این وسط چه کاره اند؟ آینده ایران را چه کسی رقم خواهد زد؟

بگذارید یک آن از این شلوغ پلوغی روزمره فاصله بگیریم. در ایران سه جنبش اصلی اجتماعی تحولات آتی را رقم خواهند زد:

جنبش ملی اسلامی، که دوم خردادش سقط شده است، حالا دارد پشت "جمهوری خواهی" (بدون پسوند اسلامی) خود را بسیج میکند. اینها در واقع دارند تلاش میکنند دوم خرداد خارج از حاکمیت را بر پا کنند. از این نقطه قوت برخوردارند که متحینی در حکومت دارند و با اروپا هم روابطی دارند، لذا امیدوارند که آمریکا در محاسبات پراگماتیستی اش به ایشان نظر لطف نشان دهد.

دستگاه حکومت اسلامی صورت می‌گیرد، با رئیس جمهورش، با ادره حراستش و تمام دستگاه حکومتی که برادرانتان در جناح دوم خرداد هم جزیی از آن هستند. همین امروز تعدادی از دانشجویان دانشگاه شما که سال پیش در اعتراضات دانشجویی دستگیر شدند، در زندان به سر می‌برند. دانشجویان آزادیخواه خواهان آزادی بیقید و شرط تمام زندانیان سیاسی هستند.

چپکسی دانشجویان را "فاسد و مبتذل" میخواند؟ چه کسی برای "جلوگیری از فساد و ابتذال" یک آپارتاید جنسی تمام عیار راه انداخته است؟ فقط آن گروههای خاص؟ یا کل این رژیم نکبت؟ دانشجویان خواهان لغو جلابی جنسی در دانشگاه و سروسه‌های رفت و آمد هستند، دانشجویان خواهان فرهنگی امروزی، متدمن و آزاد هستند. دانشجویان خواهان آزادی رابطه انسانها با هم و مخالف زن ستیزی و حجاب و مقنعه هستند. این خواستها بارها و بارها از طرف سران رژیم و همکاران ریز و درشت آن "فاسد"، "مبتذل" و "خلاف شرع اسلام" خوانده شده‌اند. این خواستها اما ظاهرا شما را هم به چاره جویی واداشته و گرنه چه لزومی به معنرت خواهی است؟

مشکل دانشجویان یا خود این "شورای فرهنگی دانشگاه" است. این "شورا" بانی و حافظ اجرای قوانین کثیف اسلامی در محیط دانشگاه است. باید درست مثل خود حکومت اسلامی گوش را گم کند! جدا فکر میکنید که "معنرت خواهی" این شورا مردم را به خانهایشان بر میگرداند؟ این است تمام رشادت شما برای نجات رژیم اسلامی؟ برای از زیر

جنبش ناسیونالیسم پروغرب، که فعلا چاره ای ندارند جز آنکه پشت سلطنت رضا پهلوی جمع شوند، گویا چراغ سبزه‌هایی از برخی محافل هیات حاکمه آمریکا (بویژه لابی اسرائیل) دریافت کرده اند. اینها میکوشند آبروی رفته در جریان حمایت از جنگ جنایتکارانه آمریکا در عراق را به جوی برگردانند. تلاش میکنند نشان بدهند که میتوانند نقش احمد چلیپای ایران" (حال بماند که احمد چلیپی عراق به کجا رسیده!) را ایفاء کنند.

هر دو این جنبش ها (چه ملی اسلامی ها و چه ناسیونالیست های پروغرب) دارند تلاش میکنند تا خود را آلترناتیو مطلوب برای جایگزینی رژیم اسلامی در دنیای نظم نوین آمریکا نشان دهند. هر دو چشم شان به بالاست و تمام تلاششان این است که به آمریکا و اروپا نشان بدهند که میتوانند مردم را کنترل کنند و اوضاع پس از جمهوری اسلامی را بر وفق مراد نیازهای سرمایه جهانی و سرکرده آن در اختیار بگیرند. اما آیا میتوانند؟

ضرب خارج کردن ارگانهای آن؟ یکبار برای همیشه: دانشجویان آزادیخواه نه در کنار ارگانهای این رژیم سیاه اسلامی چه از جناح برادران شما و چه از جناح رقیبتان، که در مقابل کل آن قرار گرفت‌اند.

دوم خرداد، دفتر تحکیم وحدت و کل پروژه نجات رژیم اسلامی به شکست انجامید.

امروز همان افراد، همان اهداف و همان ارگانها با نامهای دیگر به میدان آمده‌اند. باید این ارگانها را رسوا کرد. اعتراضات سال گذشته دانشجویان نشان داد که دانشگاه دیگر محیطی برای تحرک دوم خرداد نیست. که فضای سیاسی دانشگاهها و اعتراضات دانشجویی اساسا در دست دانشجویان کمونیست، چپ و آزادیخواه است. ۱۸ تیر نزدیک میشود و افشای این جماعت در تهران، ملایر، رشت، مشهد، کرمانشاه و کردستان، در یک یک مراکز آموزشی کشور باید همین امروز در دستور کار دانشجویان کمونیست و آزادیخواه قرار گیرد. اعتراضات دانشجویان به قوانین اسلامی در محیط دانشگاه، باید امسال بیش از سال پیش مهر چپ و کمونیسم را بر خود داشته باشد.

سازمان جوانان کمونیست، تضمین این هژمونی چپ و کمونیسم در دانشگاهها را امر خود میدانند. برای تدارک اعتراضاتی بزرگتر و موفقتر دست در دست سازمان جوانان کمونیست بگذارید.

پیچیدگی های اوضاع ایران دقیقا در همین جاست. چون که نیروی سومی هست که هر آن محاسبات این حضرات را بهم میزند. این نیروی سوم چیزی جز مردمی که از حکومت مذهبی و تبعیض و اختناق و فقر و بیکاری عاصی شده اند نیست. این مردم رادیکالتر و انقلابی تر از آن هستند که بشود راحت سرشان شیره مالید و سازمان یافته تر و آماده تر از آن هستند تا به چنان استیصالی دچارشان کرد که بین بد و بدتر انتخاب کنند. اینجاست که جنبش کمونیسم کارگری و حزب آن مطرح میشود. این جنبش و این حزب اجازه نخواهد داد که آینده ایران توسط جنبش های ارتجاعی و امتحان شده بورژوازی، چه جمهوری اسلامی و یا حالا "جمهوری تمام عیار" و امثالهم، و چه سلطنت و دیکتاتوری "گار ارزان و کارگر خاموش"، تباہ شود.

از صفحه ۱

WWW. نه نماز، نه کیهان

حجاب سر زنان کردن، به حبس کردن اینترنت و بستن شاهراه اطلاعاتی اینترنت هم در جهان معاصر نازل شد.

این رژیمی هست که هر طور شده باید در تمدن را ببندد و رابطه مردم ایران را با جهان قطع کند. معلوم نیست سید خندان با دیالوگ تمدن‌شاه چه خواهد کرد، چه تمدن جالبیه؟ تازه مگر دیالوگ بلون اینترنت و چت هم ممکنه!

باید از دوم خردادپها پرسید که اون هم درست وقتی اینترنت را بستن میخوان استعفا بدن. به قول مامانم میگفت: زودتر میدادن که حداقل بتون خبرشو اگه کیهان نزد، از طریق اینترنت بفروستند!

ولی خودمونیم، تو این چند ساله از طریق همین اینترنت چه حمله جانانه ایی جوینها به نظام کردن. دقت کردید، تو اغلب ویلاگها مردم از دست زبون و ادبیات آخوندی، عرفانی و تحمیل شده عجبیب غریب، به کوچه علی چپ زدن در نوشته ها که بهش میگن زبون اختناق، راحت شدن. یک روزنه ای باز شد، مردم حرف دلشون همونطوری که دوست داشتند زدند. شرط میبندم بجز ویلاگهای خودپهاشون، هیچ ویلاگ دیگه ای با «ساز و کار»، «تساهل و تسامح»، «کاربران» و رایانه» و این جور چیزا نمیتونین پیدا کنین که با این زبون حرفشو بزنه. زبون و ادبیات مردم را هم زیر چادر اختناق میخواستند ملاحور کنند. تو آزادی، مردم مثل خودشون، مثل آدم با هم حرف میزدند. از عشق، از آرزو، از آزادی، از بوسه، از هم آغوشی، از بودن آزادی از کثافت و لجن مذهب، از حق زنها و دخترها. مرسی آزادی، مرسی اینترنت! نگران نباش برت میگرددونیم، ماهواره و سی دی یادشونه، به چادر و مقنعه تف کردیم. پارتی و جشن یادشونه! ما که اینترنتو بهشون تحمیل کردیم، ماهواره و سی دی، موزیک و جشن، آزادی و حق بیان را بهشون تحمیل کردیم، خودمون هم بلدم چطور این سانسور را بشکنیم. بهت قول میدم آزادی، اگه فردا جمهوری سوسیالیستی بشه، جونهای این مملکت توی راه و روش مقابله با دشمنان آزادی در پیشرفته ترین شکل الکترونیکی اش هم شده دست اینها که سهله، بوش و سیا را از پشت میبندند. به همه جونهای دنیا قول میدیم، اگه جمهوری سوسیالیستی بشه، ما توی ایران تمام مغزای عالم تکنیکو به نفع بشریت و علیه سانسور و اختناق جمع میکنیم، ایران را مهد آزادی میکنیم. ما راهشو خوب بلدم. آهای آخوند از پس ما تو بر نمی آیی. آزادشم نکنی نه نماز میخونم و نه کیهان!

ما که برنامه یک دنیای بهترو روی سی دی گذاشتیم. میخوای بیارم تو مسجد بهت بدم!

این اکسیژن نیست! صحبتی با آقای درخشان

آقای درخشان!

ضمن سلام مجدد، نوشته شما، "جوانان کمونیست" (متن کامل آن در همین شماره چاپ شده)، در رابطه با مطلب من ("عیب از خاتمی بود؟" جوانان کمونیست شماره ۸۹) نکات جالبی را مطرح میکنند که به آنها میپردازم. اما ابتدا باید از نادر بکنناش تشکر کنم که مرا با دنیای مهیج ویلاگ نویسان آشنا کرد. "لینک" او (که هر هفته علیرغم کارهای دیگرش، می نشیند و دستچینی از مطالب ویلاگ ها را برای نشریه ما تنظیم میکند) در این مورد لاف، کار کرد!

این اکسیژن نیست!

به انتقاداتان میگویم پاسخ گویم. اما ابتدا یک سوال: اگر به جای من عضو حزب کمونیست کارگری و به جای نشریه جوانان کمونیست، یک لیبرال دمکرات، در نشریه مثلا "حزب آتشفشان دمکراسی ایران" بر مطلب شما نقدی نوشته بود که شما "خوشتان آمده بود، آنرا "خیلی جالب" یافته بودید، اگر این حزب از نظر شما تفکرات "روشنفکرانه، متفاوت و معقولی" میداشت، آیا شما نوشته ای را که دارید به خوانندگان توصیه میکنید که بروید اینها را بخوانید، با چوب کاری آن حزب و اعضا و رهبران و ایندولوگ هایش آغاز میکردید؟ آیا کمونیستها را - حتی اگر قبول کرده اید حرف خوبی میزنند - باید اول یکبار بشیوه مرسوم و معمول جنگ سردی "سیاه" کرد، تا بتوان یا هزار آییندی خواننده را به سایت آنها راهنمایی کرد؟ آیا اگر این نشریه "جوانان آمریکادوست ایران" بود شما چنین خود را موظف (و شاید تحت فشار) میدید که قسم و آیه بخورید که با "تیم آنها" نیستید؟ و یا اگر کسی فکر میکرد که با آنها هستید آیا کک تان هم میگردد؟ آیا فارغ از همه این برانت طلبین های شبه مذهبی، خیلی ساده و با خیال راحت نمی گفتید "بچه ها یک حزبی پیدا شده که حرفهای روشنفکرانه، متفاوت و معقولی میزنه، برید بخونید شاید براتون سوال ایجاد کنه!؟"

اشتباه نکنید. من دارم می بینم که شما انسان صادقی هستید و با در نظر گرفتن همین جو ضد کمونیستی سنگین، جوروانه از چیزی که خوشتان آمده تعریف میکنید. من هم از این "خوشم میآید". اما هوای سمی را که همه جا ول داده اند، نباید به سینه کشید و فکر کرد اکسیژن است. نباید دنبال این مد رجعایی در حال دمدمه شدن، این کمونیست بشینگ ساخته و پرداخته سیا و موساد و ساواک و

است. اگر واقعا طرفدار تعالی و فرهنگ پیشرو غربی هستید مواظب باشید که با اولین نشانه ها در افق شیفته نشوید. شاید این ته صف فرهنگ سیاسی غرب است که دارید میبینید! اما این شوخی شما را جلوی میگیرم که شما تیم خودتان را دارید. بدرجه ای واقعا اینطور است. ولی فکر میکنم قضاوت منصفانه و ابرکتیوی از تیم خودتان لازم است. بطور عینی تیم شما برای مدهای مدید با خاتمی بود. کنار تیم توده ای و اکثریتی و کنار امثال حجازیانها و جلائی پورها (حزب مشارکت) کنار تیم بهزاد نوی (سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی)، کنار تیم سحابی ها (جبهه ملی و نهضت آزادی) و نظیر اینها بود. (در این جمع از همه جوانان

آمریکادوست" هستید. خوشحالم که هستید. اما سعی کنید روشن کنید که این تیم شما در چه شرایط اجتماعی بوجود آمده، به چه مساله کوشیده پاسخ بگوید، جهت و سرانجام آن چیست؟ (در نوشته قبلی کوشیدم بر جوانی از تناقض های ناگزیر شما و "هم تیمی" هایتان تاکید بگذارم و سولاتی را طرح کنم. در ضمن در این شماره مطلبی از منصور حکمت داریم که ابزارهای تحلیلی درخشانی به شما میدهد.)

"گند بزرگ" کی؟

کنفرانس برلین جایی بود که قرار بود همان "گل یاس" و "لوتر ایران" را به دنیا بفروشد. نتوانستند و ما نگذاشتیم. همان موقعه اش سیل پیام

جوانان کمونیست

شنبه ۱۰ مه ۲۰۰۳

ویلاگ "سردبیر: خودم"

<http://i.hoder.com>

این حزب کمونیست کارگری اگر اجازه نداده بود که اعضا یا رهبران آن گند بزرگ را در برلین بزنند که آخر سر دودش از همه بیشتر به چشم سحابی و کار و گنجی رفت، آن قدرها بین جوانان ایرانی بدنام نمی شد. هرچند که در ایران امروز نام کمونیسم و مارکس، بیشتر تصاویر سیاه و خاطره ای بد در ذهن ها می آورد، ولی تا جایی که من نشریه ی جوانان را - که اتفاقا جواب خیلی جالبی (لینک به pdf) به نوشته من در باره پس گرفتن رای ام از خاتمی داده است - می بینم، تفکرات روشنفکرانه، متفاوت و معقولی دارند. (البته این تاکیدشان روی کارگرا را بگذارید کنار که به نظر من اصلا دیگر خنده دار است و باید کاملا آبدیت شود.) همه میدانند که قضاوت های من هرگز ربطی به دسته بندی های خنده دار آدم ها نبوده "نداشته" و نیست "ندارد" و امیدوارم کسی از این حرف برداشت نکند که من رفته ام در تیم اینها! (من خودم تیم هستم و نیازی به هیچ تیمی ندارم! عین خمینی که گفته بهشتی یک ملت بود، حالا من هم بگذارید به خودم بگویم یک تیم) البته باز هم قضاوت من بیشتر در باره همان جواب است و نویسنده اش که آقای است به نام مصطفی صابر که اصلا نمی شناسم ولی از نوشته اش خوشم آمد. بخصوص آنجایی که نوشته: "امیدوارم این پس گرفتن رای" سرآغاز یک نقد عمیق و جلی و یک اعتراض رادیکال، عمیقاً انسانی و مدرن، سنت شکن، شورانگیز و دخالت گر باشد."

فکر میکنم بد نباشد بقیه را هم تشویق کنم لاف یک نگاهی به وب سایت نشریه شان بیندازند، بدون توجه به اینکه چه کسانی این حرفها را نوشته اند و خاستگاه حزبی شان چیست. حرف های خوب شان زیاد است. بخصوص از دیدگاه سوسیالیستی و چپ است که من حالا دارم می فهمم که آن قدرها هم که در ایران فکر میکردم بی ربط نیست و اصولاً دنیای جدید را نمی توان تنها از دید تئورهای فونکسیونالیستی تبیین کرد - مطمئنم آمریکادوست ترین جوانهای ایران هم اگر بیایند و مدتی اینجا کار و زندگی کنند، به این نتیجه میرسند.

گمان میکنم که محیط روشنفکری جوانان ی ایران در این سالها به لچ حکومت و به خاطر سابقه بد گروههای چپ بسیار دست راستی شده و خیلی کم ادبیات و تفکرات مارکسیستی و چپ در آن راه دارد. این البته تنها یک گمان است. برای همین فکر میکنم بد نباشد که یک کمی از این جور منابع فارسی آدم معرفی کند. شاید برای بعضی ها سوالهای جدید ایجاد کند.

فقط آیت الله خامنه ای و مولفنه آنطرف ایستاده است! تعجب نمی کنم اگر شکست کنفرانس برلین را (که پایینتر میرسیم) هنوز از زاویه دید همین "تیم" ها نگاه بکنید. در عین حال من می بینم که شما از پوی پهن و آداب آفتابه پرستی اینها خوشتان نمی آید. میدانم که با آنها فرق دارید. میدانم که جزو جوانان

داد که جنبش دوم خرداد چیزی جز آخرین تلاشهای سنت سترون ملی اسلامی (یک سرش توده ای فدایی، سر دیگرش جبهه ملی نهضت آزادی، همان "جمع جوانان") برای نجات خود در صحنه سیاست و تاریخ ایران نبود. بگذارید یک جور دیگر بگویم.

فرض کنید ما که رفتهیم به کنفرانس برلین و علیه کل رژیم اسلامی و همه جناح هایش شعار دادیم و آنها را افشاء کردیم، کاری بس اشتباه کردیم. فرض کنیم که اصلاح در جمهوری اسلامی امکانپذیر میبود و ما قادر به تشخیص آن نشده بودیم. آیا با شعار و فریاد "اشتباه" چند صد نفر، با بهم خوردن یک کنفرانس، یک جنبش ظفرنمون با آن عرض و طول باید به این حال زار بیفتد؟ میدانید چرا کنفرانس برلین تیر خلاص دوم خرداد بود؟ برای اینکه این جنبش درست در نقطه ضعف و تناقضش گیر افتاد. یک بخش از جمهوری اسلامی که اصلاحات را ممکن و درست نمی دانست به بخش مثلاً

اصلاح طلبش بهتان بست که شما در کنفرانس برلین جلوی ضد انقلاب در بنامید و این کنفرانس برای براندازی و توهین به مقدسات بود. یعنی آنها را مقابل این سوال قرار داد: "آیا خودی هستید یا نه؟". دوم خردادی ها هم همه از دم درآمدند که چطور از "نظام" و "انقلاب" دفاع کردند و برای اینکه بیشتر اینها ثابت کنند شروع کردند تا آنجا که میتوانستند دهان هایشان را گشاد کردند و به ما بد و بیراه و دروغ (مثلاً آقای را بیاد بیارید که گفته بود من اطلاع دقیق دارم که این ها از اسرائیل پول گرفته اند) حواله کردند. غافل از اینکه همانجا داشتند گور سیاسی خویش را میکنند. اگر این دوم خرداد یک ذره جزیره داشت، یک ذره واقعا اصلاحات میخواست، حتی یک ذره، میتوانست قرص و محکم بایستد و بگوید: اگر میخواهید اصلاحات کنید پس لطفاً "صاف مخالف" را هم تحمل کنید.

بگذار این حزب کمونیست کارگری ها تا دلشان میخواهد علیه نظام و جمهوری اسلامی فریاد بزنند. ما هم اصلاً قبولشان نداریم، اما حق دمکراتیک شان است. شما اگر میخواهید مردم قبول کنند که قرار است تحولی در ایران صورت بگیرد از هم اینجا شروع کنید. اگر دوم خرداد این کار را میکرد، حتی اگر جناح راست میخواست بزنندشان (که میخواست) آچمز میشد و برایش بسیار سخت میشد. این دوم خردادی ها چنان محبوبیتی بدست می آوردند که نگو. جلوی همان دادگاه برلین رفته ها یک میلیون آدم میتوانستند جمع کنند. تازه حتی حزب کمونیست کارگری را هم خلع سلاح کرده بودند. ولی شما میدانید و ما از روز اول میدانستیم که این دوم خرداد از صفحه ۹

بخشی از یک نوشته منصور حکمت

متنی که در زیر می بینید شاید یکی از درخشانترین تبیین های مارکسیستی و علمی از رابطه احزاب، جنبش های سیاسی، طبقات و تولید اجتماعی باشد. این متن ابزار تئوریک بسیار قوی و همه جانبه در ارزیابی هر جنبش سیاسی و اجتماعی و هر حزب بدست میدهد. فشرده دقیق و موجزی است از "ماتریالیسم تاریخی" مارکس و متد برخورد او به تاریخ و سیاست.

این نوشته بخشی از مقدمه یک نوشته مفصل و بسیار جالب در کاربست عملی و مشخص متد فوق ضمن ارزیابی از کومله و حزب کمونیست ایران، فعالیت کمونیستی در کردستان و جدال هایی است که منجر به انشعاب منصور حکمت و اکثریت عظیم کادرها و اعضاء آن حزب و پیوستن بسیاری از حزب کمونیست کارگری شد. اول بار تحت عنوان "کمونیسم کارگری و فعالیت حزب در کردستان" در اوائل سال ۶۸ در یک جزوه بطور محدودی منتشر شد و کل این نوشته در جلد هفتم آثار منصور حکمت خواهد آمد. (جوانان کمونیست)

مبارزه طبقاتی و احزاب سیاسی



در سمینار قبل (۱) گفتم که تبیین مارکس از تاریخ، و در واقع هرکس که معتقد به عینی بودن تاریخ است، این است که عینیت تاریخ در قانونمندی حرکت آن است. تاریخ یک سلسله وقایع و رویدادهای تصادفی نیست، رویدادهایی نیست که صرفا بر مبنای اراده انسانهای هر دوره رخ داده باشد. تاریخ یک قانونمندی بنیادی دارد که بر مبنای آن حرکت میکند. در سمینار قبل سعی کردم بطور خلاصه بگویم که مارکس این قانونمندی را چگونه توضیح میدهد. بحث مارکس اینست که انسانها در تلاش ناگزیرشان برای بقا، فیزیکی خود و برای بازتولید خودشان بعنوان انسان وارد روابط متقابل اجتماعی میشوند. جامعه شکل اولیه و پیشفرض وجود انسان است. در هر مقطع انسانها در مناسبات اجتماعی با هم بسر میبرند که حول مساله تولید و بازتولید سازمان یافته است. بنابراین سوال اینست که این جامعه و این مناسبات چگونه تغییر میکند و از چه "حکمتی" تبعیت میکند. مارکس سرخ تمام تکامل تاریخی را در همین مناسبات پیدا

که هر یک ریشه در بنیاد اقتصادی جامعه دارند، تا بالاخره نه فقط نقش اراده و آگاهی و پراتیک انسان بلکه جایگاه خرافه و مذهب و پندارهای بشر را در تغییر اوضاعش معین میکند و توضیح میدهد. برای مارکس، تاریخ از قوانین عینی ای تبعیت میکند، اما بهرحال این انسانها و حرکت آنها است که تغییر را باعث میشود و این قوانین را به عمل در میآورد. در جلسه قبل گفتم که مارکس چگونه در حرکت این انسانها، موقعیت آنها در مناسبات تولید و عبارت دیگر موقعیت طبقاتی آنها را مینا قرار میدهد. مبارزه طبقاتی، که ریشه در مناسبات تولید دارد اما نهایتا چیزی جز پراتیک توده وسیع انسانها نیست، پیشبرنده تاریخ واقعی و عنصر تحول جامعه و مناسبات انسانها از شکلی به شکل دیگر است.

در جلسه قبل توضیح دادم که برای مارکس مبارزه طبقاتی شکل ایده‌آلیزه شده ای از جدال کسانی نیست که از طبقات سخن میگویند و بنام آنها جدال میکنند، بلکه کشمکش و تقابل دائمی در جامعه میان خود این طبقات است. جدالی عینی که دائما میان انسانهایی که در مکانهای مختلف تولیدی قرار گرفته اند در جریان است. این جدال هر روزه

جوانان ایران شدیداً غربگرا هستند. اما این غربگرایی صرفاً از سر لُج رژیم نیست. دلایل پایه ای تری دارد که فعلاً به آن نمی پردازم. این غربگرایی میتواند گرایش به ایده های راست روانه غرب را در خودش داشته باشد. اما میتواند دنبال چپ غرب و سنت مارکس هم برود. چپ سنتی یا بقول شما "گروههای چپ" فقط در ایران خراب نکرد. کلاً با افول و نهایتاً سقوط بلوک شوروی (سرمایه داری دولتی شرق) کل آنچه که ما به تبع مارکس سوسیالیسم و کمونیسم بورژوازی می نامیم (از نوع روسی و چینی اش گرفته تا بقیه، و اقمارشان در ایران) با بحران مواجه شد و "خراب" کرد. اما این بده شدن و از مد افتادن کمونیسم بورژوازی در بین جوانان ایران (و راستش جهان) الزاماً به معنی به راست چرخیدن نبود. این بطور بالقوه امکان چپ و رادیکالیسم و کمونیسم جدید و متفاوتی را فراهم میکرد. آنچه که در ایران اتفاق افتاد این بود که همه این وقایع و تغییرات جهانی در اوضاع و سنت های سیاسی و فکری ایران ضرب شد. با این تفاوت که کمونیسم کارگری بعنوان یک جریان حزبی که بعد از لنین در صحنه جهان غائب بود، مجدداً در ایران ظهور کرده بود. لذا آنچه که ما شاهد بودیم این بود که جوانان ایرانی با اولین تحركات اجتماعی و سیاسی نوین خود (که رای نه به ناطق نوری اولین پروژات آن بود) به ماتریالیهای فکری که از همه دسترس تر بود

فکر نمی کنید این پیف پیف کردن پست مدرنیستی برای مارکس و ایده هایش در مورد موقعیت و نقش طبقه کارگر، با ابتدائی ترین حقایق زندگی و از جمله وجود محترم شما و مشاهدات صحیح تان در تناقض است؟ بعلاوه، اگر همین امروز، حتی آن اتحادیه های کارگری محافظه کار، ناسیونالیستی، محدود و کم عضو کانادا را از زندگی روزمره کنار بگذارند، چه گندی از سر روی آن جامعه بالا خواهد رفت؟ آیا تضمینی هست که حتی همان پروفیسورهای تئوریزه کننده پیف پیف های "ماوراء طبقاتی" علیه مارکس و کارگر، همان ۴۰ ساعت کار در هفته و بیمه بیکاری شان را حفظ کنند؟ نمی بینید هر حقی که میخوانند از مردم بگیرند ابتدا باید دماغ اتحادیه را (که تازه رام و دست سوسیال دمکراسی است) به خاک بمالند؟

نسل جوان و چپ

در مورد راست رویهای "محیط روشنفکری جوانانه" ایران، با شما هم موافقم و هم نیستم. به نظر من جوانان ایران در کله شان راست روی کرده اند اما با پاهایشان سرعت به سمت چپ گام برمیدارند. و ما اکنون بروشنی شاهد هستیم که چطور "کله ها" نیز بیش از پیش بطرف چپ میچرخد! بحث مفصلی است که باید به جای خودش به آن پرداخت.

یکی دو نکته برای شروع بحث و در رابطه با نکات شما بد نیست:

نیست و بسیاری از کشورهای کاپیتالیستی دیگر هم این مشکل را دارند) آن است که کار تمام وقت مساوی با بردگی محض است. بردگی که میکوریم یعنی ۵ روز تمام روزی حداقل هشت ساعت باید تمام قدرت ذهنی و بدنیات را در ازای کمی پول بفروشی به صاحب کارت. در این پنج روز وقتی از سر کار می آیی اصولاً فقط می توانی بخوابی! آقدر خسته و بی رمقی که نه حوصله پرداختن به چیزی که خودت دوستش داری پیدا می کنی و نه اصلاً مغز و بدنت توان تحمل آن را دارد. چیزی می خوری و همانجا جلوی تلویزیون از نا می روی. فردایش دوباره همین آش است و همین کاسه.

بله، اینها جملات خود شماست. حالا تکلیف چیست؟ از یکطرف "تاکید بر کارگر" از طرف ما را "خنده دار" میدانید و "آپدیت کردن" توصیه میکنید، از طرف دیگر خودتان دارید جملاتی را تکرار میکنید که هر روز دارد از زبان میلیاردها هم "آش و کاسه" ای در سراسر جهان بلند میشود: کارگران!! بیچاره مارکس گناه کرد که ۱۵۰ سال پیش، حرف امروز شما و ۸۰ درصد ساکنین کره زمین را (البته بسیار روشنتر و بشیوه ای علمی و انقلابی) زد؟ حرف کسانی که برای زنده ماندن چاره ای ندارند جز آنکه کارگر یا برده مزد بشوند؛ یعنی نیروی کار خود (قدرت ذهنی و بدنی) را در ازای مزد (کمی پول) به سرمایه دار (صاحب کار) بفروشند؟

از صفحه ۳ این اکسیژن نیست!

تعرض و به میدان آمدن مردم بیشتر از چماق الله کرم و آقا میترسد. (البته حق دارند، آنها خوب منافع خود را تشخیص میدهند). میدانستیم که مغز اصلی دوم خرداد چیزی نبود جز جدال "خودی" ها برای تقسیم قدرت و یا باز کردن جا بر سر سفره برای همان جنایتکاران و شارلتنهایی که دهه اول جمهوری اسلامی را ساخته و ملیت کرده بودند و بعدها بویژه بعد از مرگ خمینی مورد بی لطفی قرار گرفته بودند. اگر کسی "گند بزرگی" زده آنهايي بودند که این حرکت تقلبی دوم خرداد را جای آرمانهای مردم جا زدند یا خود آترا باور کردند، توجیه کردند و بهر حال از آن دفاع کردند. (بعضی هاشان متأسفانه خیلی هم دود به چشم شان رفت!) ما تا همینجا خدمت بزرگ و تاریخی به تکامل سیاسی در ایران کردیم. ما کمک کردیم که خیلی کسان مثل شما (و البته بسیار زودتر از شما) ماهیت دوم خرداد را بشناسند و توقع شان را از خودشان و آرمانهایشان بالا ببرند.

کارگر نه؟ اوه مواجب باشید!

این جملات را (که در شماره ۸۲ همین نشریه نیز چاپ شد) به خاطر می آورید؟ "مهمترین بخش آزار دهنده زندگی در این کشور (که از این نظر تنها

اطلاعیه مراسم سالگرد درگذشت منصور حکمت

همانطور که در اطلاعیه های قبلی بااطلاعتان رسانده بودیم مراسم سالگرد درگذشت منصور حکمت جمعه و شنبه ۴ و ۵ ژوئیه ۲۰۰۳ در لندن، انگلستان برگزار میشود. آذر ماجدی و احزاب کمونیست کارگری ایران و عراق شما را به شرکت در این مراسم دعوت میکنند. بمنظور تسهیل امور تدارکاتی از دوستانی که مایل به شرکت در مراسم هستند جدا خواهش میکنیم که هر چه سریعتر با ما تماس بگیرند.

اطلاعات دقیقتر در مورد چگونگی برگزاری مراسم بعدا بااطلاعتان خواهد رسید. سایت روزنه بخشی را از فردا به مراسم سالگرد منصور حکمت اختصاص خواهد داد. اطلاعیه های جدید و اطلاعات مختلفی که مورد نیاز دوستان است در این سایت بچاپ میرسد. دوستانی که از کشورهای مختلف به لندن میآیند و احتیاج به محل اسکان دارند، میتوانند بزودی به روزنه رجوع کنند و اطلاعات لازم در مورد تهیه محل اسکان را دریافت کنند. برای دریافت اطلاعات بیشتر و جهت نامنویسی میتوانید بطرف زیر با کمیته برگزار کننده مراسم تماس بگیرید. بار دیگر از دوستان علاقمند خواهش میکنیم که شرکتشان در مراسم را حتما بمان اطلاع دهند.

تلفن: ۰۲۰ ۵۸ ۳۰۴ ۷۸۱ +۴۴ جواد اصلانی

ای میل: salgardinfo@yahoo.co.uk

حزب کمونیست کارگری ایران، حزب کمونیست کارگری عراق
آذر ماجدی، ۸ مه ۲۰۰۳

در اتاق جوانان کمونیست چه میگذرد؟

کرد و غیره. خیلی ها در بحث ها فعال بودند. دو بحث آخر جا داشت که در نشریه جوانان کمونیست منعکس شود. امیدواریم که فرصت بشود این کار را کرد. یکی دو تا سوال: آیا نمی شود امکان نوشتن به خط فارسی برای همه اعضای اتاق فراهم شود؟ سرعت خواندن را بالا میبرد. آیا کسانی داوطلب هستند تا بحث ها را در فرمت واژه نگار (برای جوانان کمونیست به این فرمت احتیاج هست) تایپ کنند و در اختیار نشریه قرار دهند؟ و بالاخره از همه خوانندگان میخواهیم به اتاق ما بیایند. بد نمی گذرد!

آدرس اتاق جوانان کمونیست در یاهو:

http://groups.yahoo.com/group/javananKomonist

اتاق جوانان کمونیست در یاهو این هفته پر شور و پر سر و صدا بود. منم که در یک گوشه اتاق سرم تو کار خودم است، بارها مجبور شدم کارم را کنار بگذارم و بحث ها و جدل ها را که بسرعت رد و بدل میشد، دنبال کنم. موضوعات متنوعی مطرح شد. از مساله سانسور اینترنت و راه مقابله با آن، تا جنایات نوحه های جمهوری اسلامی در کرمان، تا اعدام های خود دولت جمهوری اسلامی در مشهد، تا مسائلی نظیر مذهب خوب است یا بد، ظاهر و قیافه مهم است یا باید بیشتر مطالعه

دارد، که احزاب سیاسی را باید در چهارچوب و در سایه روشن با این جدلهای بنیادی ارزیابی و دسته بندی کرد. باید این را دید که حزب سیاسی از چه معضل مشخص در تاریخ مادی جامعه مایه گرفته است و به کدام معضل مشخص در آن دارد جواب میدهد. اینکه این حزب چرا وجود دارد، با این تاریخ واقعی چه رابطه ای دارد، آیا نقش مهمی دارد یاخیر، آیا جریانی بالنده یا میرنده اساست و غیره تماما باید با این متد قضاوت شود. کومله و حزب کمونیست ایران را هم باید در پرتو همین بحث ارزیابی کرد. (۲)

کشمکش های بنیادی در جامعه هم به یکی منحصر نیست. در هر جامعه همواره نشانه هایی از گذشته و حال و آینده وجود دارد و در کنار آنچه موجود است جوانه هایی از آینده و بقایایی از گذشته وجود دارد. جدال کار و سرمایه در جوار جدال سرمایه با مناسبات پیشین پیدا میشود و رشد میکند. بعلاوه، در متن هر جدال اساسی طبقاتی هم اختلافات متعددی میان بخش های مختلف بر سر جزئیات و بر سر اشکال تحول اجتماعی مشاهده میکنید. این جدلهای اساسی و تمام سایه و روشن های درونی آن سرچشمه سنت های سیاسی هستند که احزاب سیاسی تازه در درون آنها متبلور میشوند و شکل میگیرند. بنابراین پیش از آنکه به احزاب سیاسی برسیم باید سنت ها و جریانات سیاسی را تشخیص بدهیم و اینکه هر یک از اینها نه فقط منافع کدام طبقه اجتماعی را منعکس میکنند، بلکه در درون اردوی این طبقه کدام تاکیدات، کدام اولویت ها و کدام افق ها را نمایندگی میکنند. لیبرالیسم بعنوان یک سنت سیاسی، که احزاب متعدد در جوامع مختلف بوجود آورده، با سنت ناسیونالیسم که آنهم احزاب متعدد داشته و دارد، هر دو گرایشات و سنت های سیاسی

یک طبقه اند، اما یکی نیستند و بارها در تاریخ جوامع اینها را حتی در برابر هم پیدا میکنیم. بنابراین تنوع احزاب سیاسی امری طبیعی و اجتناب ناپذیر است. پشت این احزاب طبقاتند. اما این رابطه یک به یک نیست. تنوع احزاب سیاسی ناشی از این واقعیت است که انسانها در سطحی روینائی، یعنی در اشکال سیاسی و حقوقی و فکری و غیره، وارد کشمکش های اجتماعی شده اند و کشمکش های بنیادی طبقاتی به طیف وسیعی از جدلهای سیاسی و مشخص در جامعه ترجمه میشود. عبارات دیگر تقابل طبقات اصلی جامعه معضلات اجتماعی متعددی را مطرح میکنند، بر مبنای این معضلات گرایشات و سنت های مبارزه سیاسی متعددی شکل میگیرد و بر متن این سنت ها و گرایشات احزاب سیاسی بسیار متنوعی بوجود میآیند که در دوره پیشقراول و سازمانده فعالیت سیاسی انسانها بر مبنای این سنت ها و یا تلفیقی از آنها هستند.

از سوی دیگر، احزاب سیاسی ابزارهای گرایشات اجتماعی برای بسیج کل نیروی طبقه خویش تحت پرچم اهداف و افق ویژه خود و برای حاکم کردن کل این اهداف و افق در سطح جامعه هستند. احزاب سیاسی، در درون هر سنتی که شکل گرفته باشند پیشرویی کل جامعه و طبقات اصلی آن قرار میگیرند و برای بسیج کل پایه مادی خود در جامعه تلاش میکنند. تازه در این روند است که طبقات اجتماعی به کمک احزاب سیاسی به کشمکش های بنیادی میان خود معنی عملی و سیاسی میدهند. تنها به این طریق است که انسانها تناقضات ناشی از موقعیت اقتصادی شان و اختلاف در منافع پایه ای طبقاتی شان را به اختلافات سیاسی برسر تحولات کنکرت اقتصادی و سیاسی و غیره در جامعه ترجمه

برای شماره ویژه منصور حکمت بنویسید

جوانان کمونیست در نظر دارد تا در سالگرد درگذشت منصور حکمت شماره ویژه ای انتشار دهد. برای ما بنویسید اول بار چگونه با منصور حکمت آشنا شدید و او را چگونه یافتید.

میکند و قادر به عمل سیاسی میشوند. احزاب سیاسی کشمکش طبقاتی را متعین میکنند و فضای لازم برای دخالت انسانهای یک طبقه در تعیین تکلیف روندهای تاریخی را بوجود میآورند. احزاب سیاسی از شکافهای طبقاتی مایه میگیرند، اما در مرحله طبقات میشوند. تاریخ جامعه نه بصورت رو در روئی لخت و عریان و غیر متعین طبقات جلو میرود و نه بصورت مبارزه مستقیم و سازمانی احزاب با هم. بستر جلو رفتن این تاریخ کشمکش طبقات اجتماعی تحت پرچم سنتهای مبارزاتی و احزاب سیاسی معین است.

سنت های مبارزاتی و احزابی که این نقش را پیدا میکنند، یعنی بتوانند فشار عمومی و پایه ای مطالبات و افق های طبقاتی را به فشار سیاسی و مادی در جامعه تبدیل کنند، احزابی اجتماعی اند. احزاب دخیل در تاریخ هر دوره اند. اما معنی این حرف این نیست که این احزاب عینا نمایندگ کل آن منفعت طبقاتی و کل آرمان آن طبقه اند. جنبش سیاسی طبقه در هر دوره بالاخره به افق سیاسی و توان سنت سیاسی و حزبی که رهبری اش را بدست گرفته است محدود میشود. تاریخ واقعی، اما، تاکنون از طریق همین بسیج کل نیروهای طبقاتی حول افق های محدود جلو رفته است.

زیرنویس ها:

(۱) منظور سمینار اول کمونیسم کارگری است که متن کتبی و کامل آن در جلد ششم آثار حکمت چاپ شده است.

(۲) این جمله اشاره به موضوع اصلی این جزوه، و مباحثی دارد حکمت که بعد از این مقدمه متداولترین بطور مشخص در باره کوموله و کمونیسم در کردستان برمیخورد.

از صفحه ۶

مبارزه طبقاتی و احزاب سیاسی

بعنوان عنصر فعاله وارد صحنه میکنند، است که تکلیف تضادهای بنیادی را روشن میکنند و جامعه را از یک مرحله تاریخی به مرحله ای دیگر میبرد. در بخش اعظم این تاریخ شعور انسانها و آگاهی آنها از روندهای زیربنائی ای که با جدال خود به جلو میبرند محدود است. بعنوان مثال، بورژوازی ایران در قرن نوزدهم پیدا میشود و گام به گام قرار است سرمایه داری در این کشور رشد کند و این نظام اجتماعی و اقتصادی نوین بورژوازی جایگزین نظام کهنه بشود. این یک نیاز اجتماعی است که در رشد تولید و در مناسبات اجتماعی تولید ریشه دارد. اما این روند نه لخت و عریان تحت این پرچم، بلکه تحت یک سلسله کشمکش ها در سطح روینائی تر و با پیدایش جنبش هایی با هدف های محدود و ویژه رخ میدهد. انقلاب مشروطیت میشود، صحبت از مدرن شدن تعلیم و تربیت و آموزش زنان میشود، از نقش مطبوعات و آزادی آنها صحبت میشود، از محدودیت حقوق سلطنت حرف زده میشود، ناسیونالیسم تقویت میشود و نیاز به ساختن یک هویت ملی برای ایران به جلو رانده میشود، رضای شاهی پیدا میشود، صنعت و مدرنیزاسیون اداری و تمرکز قدرت دولتی به یک امر تبدیل میشود، جنبش ملی شدن صنعت نفت پا میگیرد، مصدق و مصدقین پیدا میشود که آرمان استقلال سیاسی و حق حاکمیت ملی بورژوازی ایران را به جلو میبرند، اصلاحات ارضی مطرح میشود، علیه وابستگی به امپریالیسم و دولت عروسکی پرچم بلند میشود. اینها هر یک آرمانهای انسانهای زیاد و امر سیاسی و مبارزاتی آنها بوده است. هر یک از اینها نمودار وجود

جدلهای متعدد سیاسی و فکری و اقتصادی در میان بخش های مختلف جامعه است. انسانها در این جنبش ها و در این سنت های مبارزاتی و اعتراضی و انتقادی و حکومتی شرکت میکنند، اما با شرکت شان در اینها تکلیف کل بورژوازی شدن جامعه را روشن میکنند. اگر به این شیوه به تاریخ ایران نگاه بکنید، آنوقت از انقلاب مشروطیت تا جمهوری اسلامی یک روند مرکب اما جهت دار و دارای قانونمندی را به شما نشان میدهد. عروج بورژوازی ایران از درون نظام کهنه و سپس رو در روئی آن با آنتی تر خودش، تبدیل سرمایه داری ایران به نظام کهنه ای که اکنون خود مورد اعتراض است، چکیده این تحولات متنوع و درونمایه مکاتب و جنبش ها و سنت های مبارزاتی و شخصیت های سیاسی مختلفی است که در تمام طول این دوره پیدا شده اند و نقش بازی کرده اند و به مصاف هم رفته اند. در این پروسه احزاب متعدد ساخته شده، نبردها شده، قلم ها بدست گرفته شده، جدالها صورت گرفته. اما هرکدام از اینها گوشه ای از یک تاریخ عینی و مادی را جلو برده است که حکمت و قانون اساسی آن در زیربنای جامعه و جدال طبقات اصلی آن قابل مشاهده است.

پست مدرنها در دانشگاه

آرش حمیدی

به شدت نسبت به مردم و شعور عمومی مردم بدبین هستند. عموم را احمق تصور میکنند. از نظر آنها ایران حالا حالا ها درست بشو نیست. البته از سنت روشنفکری آل احمد های پلاستیکی نیز دلخوشی ندارند و از مذهب هم خوششان نمی آید.

در بین آنها تفکرات مارکسیستی هم یافت می شود، اما بیشتر مارکس را تنها به عنوان یک شخصیت آکادمیک در نظر میگیرند. میگویند که تاویل های گوناگونی از مارکس وجود دارد و در این زمینه به بودریار به عنوان یک مارکسیست علاقه دارند.

خیلی از مارکسیست های این طیف پست مدرن میگویند که ایران هنوز سرمایه داری نیست چون ابزار تولید سرمایه داری نشده است و به همین خاطر انقلاب کمونیستی غیر ممکن است.

عده ای از آنها هم این اعتقاد را دارند که تنها با کامل شدن پروسه جهانی شدن است که می توان یک افق برای کمونیسم قائل شد.

در کل گروههای کمی هستند ولی در بین کسانی که خود را در دانشگاه اهل فکر و نظر میدانند، عده زیادی را شامل میشوند.

ممکن است شما پیرسید این عده اصلا چرا باید بررسی شوند؟ به این خاطر که در ایجاد یاس سیاسی در بین دانشجویان نقش مهمی ایفا میکنند.

در ضمن با تبلیغ اهمیت "کار فرهنگی و هنری" (به قول خودشان) و بیان ارجحیت آن به کار سیاسی در مسیر به انفعال کشاندن دانشجویان عمل میکنند و تعداد زیادی از دانشجویان علاقمند به کار اجتماعی را وارد عرصه هنری فرهنگی نموده و آنان را از فعالیت سیاسی دور می نمایند.

من میخواستم بدانم کلا موضع حزب را در مورد این جریانهای پست مدرنیستی و نظریات افرادی نظیر "فوکو"، "دریدا"، "بودریار" و روشنفکران ایرانی که بالاتر اسم بردم و مروج چنین افکاری در ایران هستند چیست. در ضمن چالش ما بعنوان اعضای حزب و سازمان جوانان کمونیست با این جریانات چگونه باید باشد؟

با احترام آرش حمیدی

آرش عزیز، ممنون از نوشته ات. آترا در اختیار فاتح شیخ قرار دادیم و امیدواریم که پاسخ مشروح تری از ایشان را در اختیار خوانندگان قرار دهیم. اما عجالتا باید به نظر من چند نکته را برجسته کرد. اول اینکه این پدیده فی الواقع بیشتر از آنکه به پست مدرنیسم ربط داشته باشد به

دوم خرداد و شکست آن مربوط است. خود شما هم بدست به این نکته اشاره کرده ای. عبارات دیگر ابتدا باید نقد سیاسی و مشخصی از این گرایش داشت. نباید به آنچه یک ترند فکری در مورد خود میگوید باور کرد. باید شرایط عینی و سیاسی که موجب آن شده را توضیح داد. و در برابرش هم ابتدا آلترناتیوی سیاسی قرار داد. در این چهارچوب البته باید حتما وارد بحث های نظری هم شد.

پست مدرنیسم برای بی آلترناتیوی و کورافتی سیاسی که بعد از شکست دوم خرداد و تداوم اختناق سیاه جمهوری اسلامی در محافل از جوانان دامن زده، البته چیزهایی را عرضه میکند. پوچ گرایی، نمی شه، فایده ندارد، به عوالم ذهنی باید پناه برد، باید فلسفه و هنر را چسبید، سیاست فایده ندارد، دوره مدرنیسم و مبارزه طبقاتی تمام شد، همه اینها حرف است و بازی زبانی است و غیره. هر اسم مکتبی ای که بر چنین نگرشی بگذاریم، وصف الحال یک موقعیت معین بی افقی و یاس

سیاسی است. و پاسخ اصلی هم اتفاقا اینست که باید فعالیتی چنان همه جانبه و سیاسی و شاداب و افق دار را فراهم کرد که ضرورتی برای رشد و مطلوبیت اینگونه در خود رفتن ها نباشد. این به اعتقاد من پاسخ اصلی کمونیسم کارگری به این گرایش است.

نکنه دوم، خیلی خصوصیتی که برای این "پست مدرن"ها برشمردی خصوصیات طبیعی و انسانی، بویژه در بین جوان و دانشجو است. مثلا فعالیت های فرهنگی هنری، نمایش فیلم و غیره. (حالا کاری ندارم که هنر را بالاتر از سیاست میدانند، اینجا اتفاقا عرصه مبارزه نظری است.) سوال من اینست که کمونیستها و آلترناتیو کمونیستی چقدر در این عرصه پاسخ واقعی دارد؟ آیا نباید اتفاقا این گونه فعالیت ها را نیز عرصه ای برای رشد کمونیسم کارگری

و نگاه انسانی آن به دنیا و هنر و ادبیات قرار داد؟

نکنه سوم این است که باید این جوانان را "خودی" (اگر این عبارت درست باشد) محسوب کرد. اینها هم از جمهوری اسلامی ناراضی اند، از دین و مذهب و حکومت مذهبی عاصی اند، به آل اصلاحی پلاستیکی هم (لااقل خیلی پلاستیکی شان!) علاقه ای ندارند و خیلی خصوصیات خوب و شریفی که طبعا باید با سمپاتی و احساس همسنوشتی و نودوستی به آن برخورد کرد و با آنها رابطه و دیالوگ برقرار کرد.

احساس من اینست که این نکات با توجه به نوشته ات احتمالا مورد توافق شما هم باشد. خواستم آنها را تصریح کرده باشم.

بازهم تشکر، مصطفی صابر.

نامه های شما

— الهه که در ترکیه پناهنده هستند، ضمن احوالپرسی نوشته اند:

"مطلع شدم که یکی از دوستای من که چندی پیش شوهرش را که محکوم به اعدام می باشد و در زندان بسر میبرد برای ملاقات به دیدنش می رود و همان جا وی را به طرز فجیعی مورد حمله قرار میدهند و بشدت مجروح میکنند. به سر و صورت و روده وی چاقو میزنند. الهه اسم و مشخصات دوستش را داده و از ما خواسته تا این جنایت را افشاء کنیم. الهه عزیز متشکر از نامه ات. ما هم از این واقعه خیلی متأسف شدیم. سعی کن اطلاعات دقیقتری بدست بیاوری.

— سعید از تهران. نوشته ات در مورد اعتیاد و روسپیگری از طریق اسد گلچینی بدستمان رسید. نوشته خوبی است و سعی میکنیم استفاده کنیم. مرتبا برابمان بنویس.

— بهزاد محمندی از ترکیه خیلی متشکر از اظهار لطفت به نشریه و نویسندگانی که اسم برده ای. ملاحظات تو را در نظر خواهیم گرفت. بهزاد از جمله نوشته اند: "بظر من مقالاتی که فرستاده میشوچند جمله ی از آن در نشریه آورده شود بسیار خیرتر خواهد شد، چون باعث می شود جوانان بیشتر به نوشتن تشویق شوند و نکاتی که همسو با سیاست حزب است دریابند و به آنها توجه کنند." همانطور که می بینید از این شماره فرمت "نامه ها" را اندکی تغییر داده ایم تا این نکته شما ملحوظ شود. از همه خوانندگان دعوت میکنیم که مثل بهزاد ما را در جریان نظریات و ملاحظاتشان قرار دهند.

— مسعود. ت. از ایران، پیام شما از طریق شیوا فرهمند دریافت شد. با شما تماس خواهیم گرفت. ما هم مشتاق آشنایی با شما هستیم.

— دوست عزیز دیاکو از ترکیه نوشته اند:

"ملتئ است که انتشارات حزب را مطالعه میکنم. از دوستان خواستم تا کمک کنند که به عضویت حزب درآیم. آنها آدرس شما (بهرام مدرسی) را به من دادند. از شما میخواهم در رابطه کمک بنمایید."

دیاکو عزیز به صف ما خوش آمدی. با شما تماس خواهیم گرفت.

— دوست عزیز مزدا نوشته اند: "بهرام جان، مطمئن هستم که نامه دوست تلاسمی را در اتاق جوانان دیدی. واقعا خیلی دردناک است. پیشنهادی

که من دارم اینست که حداقل در زمان حال یک کمیته برای حمایت از بیماران تالاسمی تشکیل بدیم. من واقعا نمی دونم احتمال این چقدر است."

مزدای عزیز احتمال آن همانقدر است که انسانهایی اراده کنند چنین نهادی را بوجود بیاورند و آترا فعال کنند. مثل هر مبارزه و تلاش دیگر. این چنین تلاشهایی علی القاعده و بهتر

است خارج از چهارچوب حزبی و سازمانی قرار گیرد.

— پیام ۲۱ ساله از تهران نوشته اند:

"باور کنید آفتلر از دست این حکومت جنایتکار و غارتگر جمهوری اسلامی خسته شده ام و همچنین دیگر از اسلام و دین و مذهب و ارتش و سپاه و سربازی و هر چیز ارتجاعی دیگر حالم بهم میخوره و مدتی است تصمیم گرفته ام به یک کشور اروپایی بروم و در آنجا تقاضای پناهندگی سیاسی بدهم و در آنجا آزادانه با حزب و سازمان جوانان کمونیست همکاری نزدیکی بنمایم تا هرچه زودتر این جمهوری زالو صفت اسلامی نابود گردد و دیگر اثری از دین و مذهب و اسلام و هرچیز ارتجاعی دیگر زندگی مردم وجود نداشته باشد و مردم ایران به زندگی کامل البته بدون حضور کاپیتالیسم ادامه دهند.

اگر در مورد خروج از ایران راهنمایی کنید خوشحال میشوم."

پیام عزیز حرف شما برنامه کار هر روز سازمان جوانان و حزب است. در مورد خروج هم با فراسیون پناهندگان ایرانی تماس بگیرید. برایتان آرزوی پیروزی داریم.

— حامد راد عزیز از تهران، آرم طراحی شده شما برای سازمان جوانان دریافت شد. به نظر ما باید آرم در یک حلی باشد که آترا برای نظرخواهی در نشریه چاپ کنیم. دقت کنید که آرم باید بسیار ساده باشد. یعنی مثلا در عرض ۳۰ ثانیه یا یک دقیقه بشود آترا روی دیوار کشید. آرم همینطور باید کیفیت گرافیکی و زبان تصویری گویا و مدرنی داشته باشد. پیشنهاد میکنیم اگر ممکن است کمی در زمینه گرافیک کار و مطالعه کنید. همینطور میتوانی از طریق اینترنت سازمانهای مختلف جوانان را در سراسر جهان مورد بررسی قرار بدهی و آرم ها و لوگوی های آنها را مطالعه کنید. برای آرزوی موفقیت میکنیم.

— ایمان شیرعلی عزیز، مقاله ات با نام "نسل شکست نخوردگان" دریافت شد. خیلی ممنون، مقاله خوبی است. امیدواریم که استفاده کنیم.

— دوست عزیز م. م. از تهران. گفتگوی شما با مصطفی صابر در اینترنت ما را تشویق کرد تا از شما بطور رسمی تر بخواهیم تا با این نشریه همکاری کنید. مثلا حتما مطالبی از ویلاگ ها را که برای درج در نشریه مفید میدانید برابمان بفرستید تا در اختیار نادر بکاش قرار دهیم. همینطور برابمان بنویسید!

— دوستانی از مقاله "این ژنگولو کیست؟" که در شماره ۸۸ چاپ شده بود تعریف کرده اند. از همه این دوستان و رفقا تشکر میکنیم و از ایشان و همه خوانندگان دعوت میکنیم تا در چهارچوب آن مقاله، نوشته ها، مقالات و نظرات خود را برای ما بفرستند. همینطور از دوست عزیزی به نام سعید که در نامه ای به علی جوادی آن مقاله را نامناسب و "ناپخته" ارزیابی کرده اند.

تمام شد، خسته نباشید! مقابله با سانسور اینترنت

گفتگو با نرسی یگانه

از صفحه ۸

کشوری اعمال نمود. هر کامپیوتر میزبان در اینترنت دارای یک شماره شناسایی منحصر به فرد است که آدرس (IP) نامیده میشود. برحالی میتوان این آدرس هویت کامپیوترهایی که میزبان سایتهای غیر مجاز هستند را پیدا کرده و در لیست سیاه قرار داد. اما این روش ساده دارای عیب بزرگی است و احتمال دارد که آن کامپیوتر بطور همزمان میزبان صدها سایت دیگر نیز باشد، که در اغلب سروسهیهای میزبانی به همین صورت است و در آن حال تمامی سایتهای دیگر آن میزبان نیز غیر قابل دسترسی میشوند. علاوه در ترافیک اینترنت نیز اختلال بوجود می آید و مثلاً اگر کاربری از اروپا بخواهد سایت تایوانی را ببیند و درخواست او از یک مسیریاب در چین عبور کند، بطور خودکار فیلتر میگردد.

روش دیگر، فیلتر کردن نام دامنه ای (DNS) سایتها میباشد که میتوان بر اساسی نام سایت یا الگویی خاص یک لیست سیاه درست و کامپیوترهای خاصی به نام پروکسی سرور را مامور کرد تا از ارسال درخواست مشاهده این سایتها به اینترنت جلوگیری کند. این روش اشکالات روش قبلی را ندارد و در تمام دنیا وسیعاً در سطح اداری و سازمانی برای نظارت بر ترافیک ورودی و خروجی و بالا بردن امنیت شبکه استفاده میشود. اما فقط در کشورهای سانسورچی در سطح کشوری و سراسری به کار برده میشود. پیشرفته ترین روش فیلترینگ بر اساس محتواست. یعنی صفحات و عکسهایی که کاربر دریافت میکند اگر دارای کلمات غیر مجاز باشند بطور خودکار حذف میشوند. این روش نیازمند کامپیوترهای قدرتمند است تا ترافیک عظیم اینترنت را جز به جز بررسی نمایند و محتویات "حلاق" را دور بریزند. این روش همچنین موجب تاخیر و کند شدن ترافیک اینترنتی میشود، اما با بالا رفتن سرعت کامپیوترها (دو برابر در هر ۱۸ ماه) این روش مقدرتر میگردد.

جوانان کمونیست: راه های دور زدن فیلترها بطور مشخص چیست؟

نرسی یگانه: تنها راه دور زدن این سد استفاده از پروکسی سرورهای خارجی است. بله، درست حدس زدید، پروکسی سرور مانند یک شمشیر دو لبه است. هم میتواند سانسور کند و هم میتواند سانسور را دور بزند. هر کاربری با داشتن آدرس پروسی میتواند مرورگر (Browser) خود را طوری تنظیم کند که درخواست مشاهده

سایتهای وب بجای آنکه به پروکسی سرور سانسورچی مخابرات برود به یک پروکسی سرور خارجی (سانسور شکن) فرستاده شود و تمام مکالمات کاربر با اینترنت از طریق آن انجام گردد. در این روش پروکسی سرور به نمایندگی از طرف کاربر درخواست را ارسال میکند و پاسخ را دریافت کرده و به کامپیوتر کاربر ارجاع میدهد. بطور مشخص میتوان برای دور زدن فیلترینگ در ایران به سایتهای anonymizer.net یا megaproxy مراجعه کرد و در آنجا با تایپ آدرس سایت های ممنوعه بدان وارد شد. اشکال این سایتهای در آن است که موقعیت مکانی آنها نسبت به ایران خیلی فاصله دارد و اینترنت کاربر را کند میکند و خدمات مجانی آنها بسیار محدود است و یکسری از آنها مشخصاً به کاربران ایرانی سرویس نمی دهند. از طرف دیگر مخابرات برحالی میتواند این سایتهای را مانند موارد دیگر در لیست سیاه قرار دهد.

روش دیگر، یافتن پروکسی سرورهای مجانی در اینترنت است. این روش مقداری تکنیکی تر است و کاربر باید لیست این سرورها را جستجو نماید و یکی را که در موقعیت نزدیکتری به او قرار دارد و هنوز online.anonymitychecker.com

مراجعه کنید) سپس در Internet Explorer از منوی tools گزینه internet options را انتخاب نمایید و سپس به گزینه connections بروید و از آنجا دکمه settings را برای کانکشن مورد نظر خود فشار دهید. یک پنجره جدید باز میشود. در قسمت Proxy server تیک بزیند سپس آدرس و پورت پروکسی سروری را که از سایت راهنما یادداشت کرده بودید وارد نمایید. بعنوان مثال من از آدرس bib-nu.fh-neu-ulm.de و پورت ۸۰ استفاده میکنم. سپس اوکی بزیند و پنجره را ببندید. تمام شد! خسته نباشید! هروقت خواستید که پروکسی را غیر فعال کنید کافی است تیک را بردارید.

جوانان کمونیست: وقتی این راهها برای رژیم هم شناخته شد، نمی توانند دوباره فیلتر گذاری کنند؟

نرسی یگانه: قطعاً میتوان این سرورها را شناسایی کرد و آدرس آنها را در لیست سیاه گذاشت. ولی تعداد اینها بسیار زیاد است و شناسایی همه به راحتی مقدر نیست. از طرف دیگر نظارت و شناسایی این آدرسها به نیروی انسانی زیادی نیازمند است. در آیین نامه جدید خدمات اینترنتی، آی اس پی ها موظف شده اند تا رکورد فعالیتهای کاربران خود را منظم

به مخابرات گزارش دهند تا نرم افزار فیلترینگ به روز شود. باید دید که مخابرات تا چه حد در این راه مصمم است و جزو و مد تصمیم گیریهای مسئولان اجرایی چقدر در این روند تاثیر میگذارد.

جوانان کمونیست: این رکورد، یا گزارش از فعالیت اینترنتی کاربران شامل چه اطلاعاتی است؟

نرسی یگانه: مطابق بند ۶ تبصره ج از ضوابط شبکه های اطلاع رسانی، آی اس پی ها موظفند گزارش بدهند. خوشبختانه چون در ایران اینترنت بصورت کارتتی بفروش میرسد، کاربران میتوانند بدون ثبت نام در آی اس پی از هویت های متفاوتی استفاده کنند و ردیابی اشخاص بسیار مشکل است و به هماهنگی لحظه به لحظه بین آی اس پی و نهادهای امنیتی نیاز دارد. این رکورد لیستی از سایتهای ملاحظه شده است که احتمالاً برای منتورینگ و به روز کردن سیستم فیلترینگ استفاده میشود. من به کاربران توصیه میکنم همیشه چند کارت از چند آی اس پی مختلف داشته باشند و مدت زیادی از یک جا به اینترنت متصل نباشند.

جوانان کمونیست: کدام سایتهای الان ممنوع شده اند؟

نرسی یگانه: متأسفانه اطلاع دقیقی از لیست سایتهای در دسترس نیست و ایران هم مانند دیگر کشورهای سانسور کننده اطلاعات دقیق بروز نمی دهد. قطعاً رقم واقعی از ابراز نظرای رسمی خیلی بیشتر است. سایت شرکت مخابرات هم که حتی خبر سانسور اینترنت را اعلام نکرده است. اما آنچه که مربوط به حزب کمونیست کارگری میشود متأسفانه باید گفت که تقریباً تمام سایتهای وابسته به حزب فیلتر شده اند. از جمله سایت سازمان جوانان کمونیست و فدراسیون پناهندگان و روزنه.

جوانان کمونیست: برای میلیونها ایرانی استفاده کننده اینترنت این چه معنی میدهد؟ خود شما چه احساسی دارید؟

نرسی یگانه: طبعاً من هم مثل سه میلیون کاربر دیگر اینترنت در ایران از این مساله ناراحت هستم و هر اقدامی را که در جهت اعمال محدودیت بیشتر انجام گیرد را محکوم میکنم. بالاخره در زیر سایه شوم حکومت خدا در ایران و منع ابتدایی ترین آزادیهای فردی، اینترنت تنها جایی است که جوانها به آن پناه میبرند تا باهم گپی بزنند و با دنیای خارج از زندان اسلام آشنا شوند. در غیاب رسانه های مستقل، اینترنت بدون شک بزرگترین منبع اطلاع

رسانی و بالا برنده سطح آگاهیهای علمی، سیاسی و اجتماعی در ایران است و هر اقدامی در محو کردن آن حمله به کمترین آزادی باقی مانده و دریچه تنفسی مردم است.

جوانان کمونیست: جناح های مختلف حکومت چه موضعی سر این مساله دارند؟

نرسی یگانه: واکنشها یکنواخت نیست. عده ای اینترنت را بعنوان منبع فساد اخلاقی و لامذهبی میدانند و اصلاح طلبان ضمن ابراز نگرانی از جنبه های "منفی" اینترنت معتقدند که نباید برخورد با اینترنت مانند برخورد رژیم با ویدئو و ماهواره باشد و واکنش ها شتابزده نباشد و هیات نظارتی برای نحوه انجام فیلترینگ اینترنت تشکیل شود! می ببینید که هیچکدام مخالف فیلتر گذاری اینترنت نیستند.

جوانان کمونیست: به نظر میرسد که جامعه تحت تاثیر تحولات بعد از جنگ عراق و مشکلات حاد اقتصادی و سیاسی به حالت انفجار رسیده است. آیا سانسور اینترنت بطور اتفاقی به حلا موکول شده بود؟

نرسی یگانه: بحث نگرانی از خطرات اینترنت از همان روز اول مطرح بود و تعداد محدودی از آی اس پی ها در دوره زمانی خاصی تحت تاثیر تصمیم گیریهای سلیقه ای فیلتر میکردند. ولی الان با تغییرات زیادی که در صحنه سیاسی ایران پس از جنگ عراق انجام گرفته و رشد انفجاری کاربران اینترنت در ایران، خطر اینترنت را بیش از پیش برای رژیم نمایان میکند. بدون شک این حرکت شتاب زده در وحله نخست سایتهای سیاسی را هدف قرار گرفته است و وحشت رژیم از تاثیر اینترنت در متشکل کردن اعتراضهای مردمی را منعکس میکند.

جوانان کمونیست: در لین جنگ بر سر اینترنت بالاخره کی پیروز خواهد شد؟

رسی یگانه: اگر به مساله بصورت کلی و جهانی بنگریم، این جنگ شبیه مسابقه تسلیحاتی است و هر بار از هر طرف راه حل موثرتری برای خنثی کردن اقدامات طرف مقابل اندیشه میشود. اما اگر در مورد ایران بخواهیم صحبت کنیم، من فکر میکنم دعوا از اینترنت گذشته و مطالبات همه جانبه مردم سالهاست که روی هم تالبار شده است. راه حل قطعی تمام مشکلات و بدبختی های ما نبود جمهوری اسلامی است. این خانه از پای بست ویران است و هیچ درمانی جز رفتن اسلام، آخوند و نظام سرمایه داری و تعیین سرنوشت مردم بدست خودشان وجود ندارد.

عمل سطح سانسوری که اعمال میشود حتی فراتر از اهداف ادعا شده می باشد و سایتهای سیاسی، مذهب دیگر و هر چیزی که موجب بالا بردن آگاهی عمومی شود نیز به همین بهانه فیلتر می شود. بعنوان نمونه کلاسیک این کار کشور چین را مثال میزنم. چین علاوه بر بزرگترین دیوار دنیا، بزرگترین دیوار آتش (firewall) دنیا را نیز دارا می باشد. دولت چین منابع عظیم انسانی و تکنولوژیک را بسیج کرده تا یکی از پیچیده ترین سیستمهای پالایش اینترنت را ایجاد نماید. مطالبی که سانسور میشود علاوه بر پورتوگرافی، طیف وسیعی از سایتهای سیاسی، سایتهای خبری، تفریحی و دولتی کشورهای دیگر را هم در بر میگیرد. اما سانسور بصورت یکنواخت اعمال نمی شود. بعضی سایتها همیشه در لیست سیاه قرار دارند، مانند سایتهای تایوانی و هنگ کنگی. بعضی دیگر مانند سی ان ان یا روزنامه واشینگتن پست فقط وقتی اخباری در باره وضعیت چین منتشر میکنند و خوشایند مقامات چینی نیست، غیر قابل مشاهده میگردد. علاوه بر این موتورهای جستجوی یاهو و گوگل نیز تحت نظر هستند و اگر کاربر کلمات خاصی را مانند sex, china, Jiang Zheming, hunger را برای جستجو وارد نماید، نتیجه جستجو بلوکه میشود. حتی کار به آنجا رسیده که مقامات چینی قصد دارند ورژن خاصی از گوگل را جایگزین سایت اصلی کنند. برای جلوگیری از دسترسی مردم به محتویات ممنوع اینترنت علاوه بر اقدامات فوق، روشهای تبهی نیز به کار برده میشود. مثلاً اگر کاربری سعی کند به مطالب ممنوع دست یابد ارتباط اینترنتی او برای مدت مشخصی قطع میشود. دولت مردم را تشویق میکند تا از کافی تنهای استفاده کنند تا کنترل فیزیکی بیشتری بر کاربران اعمال شود. همچنین قرار است کارتهای هویتی دیجیتال توزیع شود و استفاده از اینترنت فقط از طریق آن میسر باشد تا بتوان هویت کاربران را به راحتی شناسایی نمود.

جوانان کمونیست: از لحاظ فنی چقدر امکان فیلترینگ هست؟

نرسی یگانه: فیلترینگ به روشهای متعددی انجام میگردد و میتوان آنرا در سطح کامپیوترهای شخصی، ارائه دهندگان سرویس های اینترنتی یا آی اس پی (ISP) ها و در سطح

یکی برود و ما بیاییم

لینک

نادر بکتاش



منشور گلکو

http://golku.blogspot.com

مهم است که بدانیم چه نمی خواهیم و می توانیم در آن نقطه با هم متحد شویم. اما مهم تر از آن این است که بدانیم حداقل خواسته هامان چیست. این گاراتی ما برای یک زندگی بهتر است... این مهم است که فکر ما مستقل باشد. بدانیم چه می خواهیم و دنبال خواسته هامان بگردیم. در این راستا می توانیم از برنامه های یک یا چند حزب یا گروه حمایت کنیم. اگر بدانیم چه می خواهیم و تفکر مستقل داشته باشیم دیگر از اینکه کی می خواهد بیاید نخواهیم ترسید. طرز فکر ما باید عوض شود. نباید فکر کنیم یکی برود و دیگری بیاید. باید فکر کنیم که یکی برود و ما بیاییم. ما باید حداقل خواسته های خودمان را از هر دولت و رژیمی انتظار داشته باشیم. آزادی بیان، آزادی پوشش، لغو مجازات اعدام، آزادی زندانیان سیاسی، حداقل حقوق انسانی مندرج در اعلامیه حقوق بشر... هر گروهی در این راستا از خواسته های مردم حمایت کرد وارد جنبش مردمی خواهد شد و هر که عقب نشست تکلیف خودش را روشن کرده است... اشتباهات گذشته نباید ما را به انفعال بکشاند، بلکه باید برای ما راهگشا باشد.

کودکی که ملرک اتهام است

سولوژن

http://www.sologen.net

به نظر قبلا در مورد امینه نوشته بودم. بدون هیچ تغییری، این مطلب را از ویلاگ سوسک نامم http://sooski.persianblog.com برایتان نقل می کنم. بررید و امضا کنید!

حکم سنگسار "امینا لوال" زن نیجریه ای روز سوم ماه ژوئن به اجرا درخواهد آمد. "امینا" باید مرگ را ببوسد و از زندگی و کودک شیرخوارش برای همیشه جداحافظی کند... این حکم تا پایان زمان شیرخوارگی کودک وی بیشتر به تعویق نیفتاد. لازم به توضیح است که وجود این کودک به عنوان ملرک این اتهام محسوب شده و پدر کودک نیز همه چیز را از ترس دردرس انکار کرده. تا چهارم مارس حدود ۲۶۰۰۰۰۰ امضا برای اعتراض به سنگسار "امینا" جمع آوری شده است. بیاید با هم نامه اعتراض به این حکم غیرانسانی را در اینجا امضا کنیم. هرچند که شاید این بار نیز کسی صدایمان را نشنود!

آخرین تیر تیرکش

داور

http://davar.blogspot.com

در آستانه پایان تعیین سرنوشت

لوايح دوقلوی رییس جمهور توسط شورای محترم !! ننگهان، سیستم تحت نظارت محافظه کاران، وزارتخانه آقای خاتمی یعنی مخابرات جمهوری اسلامی، قدم نهایی قابل انتظار برای پایان دادن به گستردگی پخش اطلاعات اینترنتی را با فیلترگذاری در سایت های سیاسی، اجتماعی برداشت... به هر حال سایت های فیلترگذاری شده تا کنون عبارت است از : حزب توده ایران، فداییان خلق ایران (اکثریت)، راه کارگر، اتحاد فداییان خلق، پیک نت، روشنگری، امروز، روزنه، میهن و ...

هم نان و هم آزادی

شاهد همیشه تنهاست

http://shahedalone.persianblog.com

برای اکثریت مردم جهان که در شرایط ناگوار اقتصادی زندگی می کنند، نان مهمتر از آزادی است و این نقطه ضعفی است که سرمایه داری و کمونیسم (کمونیسم استالین نه مارکس) هر دو به عنوان پاشنه آشیل یا چشم آسفندیار مردم، برای تسلط خود بر جهان از آن بهره برداری می کنند. مردم آزاده جهان باید بکشند تا با بالا رفتن سطح زندگی محرومان جهان، آزادی هم به اندازه نان برای آنها اهمیت داشته باشد. (استفن اسپندر)

به دین ها اندیشیدم...

فضول

http://fozool.blogspot.com

به دین ها اندیشیدم و سخت کوشانه در آنها مطالعه کردم و دریافتم که یک (اصل) وجود دارد با شاخه های فراوان. بنابراین از کسی مخواه دینی را بپذیرد، زیرا ممکن است که پذیرفتن آن دین او را از (اصل) اصلی دور نماید... نباید از مرگ واهمه داشت. زیرا ..

دیوانگان می نازند... اما نمی ماند

سیب زمینی

http://iust.blogspot.com

حکم سنگین دادگاه ملی مذهبی ما فعلا که میدان خالیست و دیوانگان میتازند... اما روزی خواهد رسید که تمام دیوارهایی که عکس دیکتاتورها رویشان نقش بسته، خراب خواهند شد.

تلویزیون اترناسیونال

یکشنبه ها و جمعه

۵:۳۰ تا ۶:۳۰ عصر

به وقت تهران

ماهواره کانال یک

برنامه های تلویزیون اترناسیونال در اروپا و آمریکای شمالی هم پخش میشود. این برنامه ها از طریق سایت روزنه نیز قابل دسترسی خواهند بود.

میل: wpi_tv@yahoo.com

تلفن ۳۷ ۲۲ ۵۹۰ ۷۸۱ ۰۰۴۴

فکس ۱۷۳۳ ۲۱۲ ۵۰۳ ۰۰۱

طول موج جدید

رادیو اترناسیونال

رادیو اترناسیونال هرروز ساعت ۹ شب به وقت تهران به مدت نیم ساعت روی طول موج ۲۱ متر برابر با ۱۳۸۸۰ کیلو هرتز پخش خواهد شد. روزهای پنجشنبه و شنبه مدت برنامه های رادیو از ساعت ۹ تا ۹ و ۴۵ دقیقه خواهد بود.

برنامه رادیویی سازمان

جوانان کمونیست

شنبه ها ۳۰:۰۰ تا ۴۵:۰۹

طول موج جدید رادیو اترناسیونال را به اطلاع همه دوستان و آشنایان خود برسانید.
Payamgir radio:
+46 8 659 07 55
Tel: +44 771 461 1099
& +46 70 765 63 62
Fax: +44 870 129 68 58
radio7520@yahoo.com
www.radio-international.org

تلفنهای تماس با دبیران سازمان جوانان کمونیست:

0045 51 80 26 10
0044 776 110 66 83
0049 179 74 30 908
0046 736 50 80 40
001 416 688 5572
00905552048603
0046 70 48 68 647
0049 174 944 02 01
001- 416 434 15 45
fax:001 416 434 154 5

bahram-modarresi@web.de

دانمارک: شیوا فرمند
انگلستان: سرور ملائکه
آلمان: امید چوری
سوئد: آزاد خدری
کانادا: مهدی شهابی
ترکیه:

دبیر تشکیلات خارج: مریم طاهری
دبیر کمیته مرکزی: بهرام مدرسی
مشاور دبیر: ثریا شهابی
آدرس پستی: Jawanan Postfach 620 515
10795 Berlin
Germany

به سازمان جوانان کمونیست پیوندید!

جوانان کمونیست

نشریه سازمان جوانان
حزب کمونیست کارگری ایران

مصطفی صابر mosaber@yahoo.com

Tel: 001 604 730 5566

از این سایت ها دیدن کنید:
www.jawanan.org
www.m-hekmat.com
www.rowzane.com
www.hambastegi.org
www.medusa2000.com
www.wpiran.org
www.childrenfirstinternational.org